



جمال شوره (فیلم‌ساز)ایوب‌القاسم طالبی (فیلم‌ساز)محمد کاسبی (بازیگر)رسول ملاقلی‌پور (فیلم‌ساز)



نگاهی به سریال «برافروخته»

خیانت به حزب ممنوع!

فاطمه قاسم آبادی

درگیری بین جناح‌های سیاسی در دنیا و به‌ویژه در کشورهای غربی، یک امرعادی است. معمولاً نماینده‌های جناح‌های مختلف، به خاطر قدرت، علاوه‌بر بحث و جدل‌های فراوان، به دنبال خراب کردن وجهه طرف مقابل هستند تااز این طریق بتوانند، نظر مثبت مردم را نسبت به خود جلب کنند. در کشوری مانند آمریکا، این درگیری‌ها بخصوص وقتی پای سیست مهمی مانند ریاست جمهوری وسط باشد، به اوج خود می‌رسد و در دوران انتخابات، مانند یک شوی تلویزیونی، مردم را پای توهین‌های نامزدها، نسبت به هم می‌نشانند.

البته گاه این درگیری‌ها وارد سطح بالاتری می‌شود و در این بین، طرفین با استفاده از نقاط ضعفی که از طرف مقابل یا جناحشان به دست آمده‌اند، به سمت پایین کشیدن آن حزب از قدرت می‌روند. یکی از نمونه‌های مشهور این قضیه، ماجرای «رسوایی واگریت» است که در نهایت منجر به استعفا ی «ریچارد نیکسون» رئیس‌جمهور وقت آمریکا از قدرت در سال ۱۹۷۴ شد. سریال «برافروخته» به کارگردانی «مت راس» محصول سال ۲۰۲۲ آمریکاست. این سریال به واکاوی رسوایی واگریت و کسانی که در این اتفاق توسط دادگاه و جامعه محکوم شدند می‌پردازد.

داستان رسوایی و جاسوسی

واگریت، بر گرفته از نام هتلی است به همین نام که در واشینگتن دی سی، مقر کمیته ملی دموکراتیک، در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۲ بود.

به دستور نیکسون، رئیس‌جمهور جمهوری خواه وقت آمریکا، تعدادی جاسوس به این هتل رفتند ولی پس از ورود به‌پناهی به واگریت، این گروه با تجهیزات پیچیده جاسوسی الکترونیکی بازداشت شدند...



تحقیقات نشان داد که کاخ سفید در این ورود به عنف، دست داشته، و «روندب مالی» برای تأمین بودجهٔ فعالیت‌های غیرقانونی به کار رفته است، که آن فعالیت‌های غیرقانونی عبارت بودند از: استفاده از سازمان سیا و ادارهٔ درآمدهای مالیاتی، برای مقاصد سیاسی، عملیات شبه نظامی برضد مخالفان حزب، تغییردادن و نابود کردن اسناد، و پرداخت حق السکوت یا رشوه به متهمان برای دروغ‌گویی... در آن زمان رئیس‌جمهور نیکسون به دستور دیوان عالی، نوارهای ضبط شدهٔ مکالمات خود با مسئولان دولتی را تسلیم نکرده کرد، درنتیجه مشخص شد که در مخفی کردن ماجرای این جاسوسی، دخالت داشته است. نیکسون استعفا کرد، تا به اتهام جلوگیری از اجرای قانون و سایر جرائم، استیضاح‌شود.

بعد از این اتفاق عدای از حزب جمهوری‌خواه و اطرافیان نزدیک این حزب، به هم حزب‌های خود خیانت کردند و علیه جمهوری خواهان در مورد ماجرای واگریت در رسانه‌ها مصاحبه کردند و حتی در دادگاه حاضر شدند.

سریال «برافروخته» در مورد تعدادی از این افراد است. «مارتا میچل»، «جان دین»، «گوردون لیدی» و... از جمله اشخاصی هستند که در این سریال به بیان بخشی از زندگی‌شان که با ماجرای رسوایی مربوط بود، پرداخته می‌شود.

خان، ملون است!

یکی از مهم‌ترین نکاتی که می‌شود گفت اصل پیام سریال «برافروخته» است، به این ترتیب که تمام کسانی که به رئیس‌جمهور وقت آن زمان یا همان نیکسون خیانت کردند، به صورت انسان‌های بی‌مایه و خودمنا به تصویر کشیده شده‌اند. مارتا میچل، به عنوان زنی بی‌عاطفه و بی‌توجه به فرزندان‌ش به تصویر کشیده شد. زنی که اهمیتی به جایگاه همسرش نداد و به خاطر جلب توجه، مانند یک سلبریتی بی‌مغز درجه دو، به رسوایی واگریت دامن زد...

سازنده سریال در ادامه حتی با فراتر گذاشته و خانواده این زن را هم به عنوان یک مشث دروغگو و بی‌مایه، به مخاطبین معرفی می‌کند و در نهایت اضافه کرده که هر چند مارتا میچل در مورد اتفاقات پیرامون واگریت راست گفته بود اما این مسائل نباید هرگز عنوان می‌شد. به معنای واضح‌تر، هر راستی گفتن ندارد!

در مورد جان دین هم وضعیت در سریال، همین طور پیش می‌رود و سازنده این جوان را که در دادگاه علیه هم حزب‌هایش شهادت می‌دهد، به عنوان یک مرد بی‌مایه دره پایین، که حاضر است برای دیده شدن و پیشرفت، هر کاری بکند، به تصویر می‌کشد...

سریال «برافروخته»، کسانی که به اصطلاح، نمک حزب شان را می‌خورند ولی نمکدان می‌شکنند را با تصویری بسیار منفی نشان می‌دهد و اینکه حقیقت ماجرا چیست و چه کسی آن را بیان کرده، در این بین کمترین اهمیت را دارد چرا که وقتی پای اسرار یک حزب آن هم در کشوری مانند آمریکا مطرح باشد، تحت هر عنوان، اعضا باید وفاداری خود را نشان بدهند و غیر از این، قابل قبول نیست!

درگیری قدیمی جمهوری‌خواه و دموکرات

درگیری بین دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در آمریکا، سابقه و تاریخ طولانی دارد و در این بین، معمولاً اعضای رده بالای هر حزب، در قبال اطلاعات خاص از یکدیگر، باج خواهی می‌کنند و از آن اطلاعات مانند اهرم فشار علیه یکدیگر استفاده می‌کنند اما این وضعیت تا زمانی که این اطلاعات به بیرون درز نکرده و در جامعه رسوایی به وجود نیابده و پای اعضای آن حزب به میان نیامده، قابل قبول است ولی زمانی که بنا به هر دلیلی، رسوایی به بیرون درهای بسته نفوذ کند و در جامعه پخش شود و آبروی دولت آمریکا وسط بیاید، اتفاق جدی و ناگواری افتاده است. در رسوایی واگریت، حزب جمهوری‌خواه مورد حمله قرار گرفت و در رسوایی جنسی «بیل کلینتون»، حزب دموکرات بی‌آبرو شد...

جالب است که «هیلاری کلینتون»، همسر بیل کلینتون در کتاب خاطراتش با عنوان «زندگی من»(ترجمه بیژن اشتری، انتشارات مهد فرهنگ) ماجرای رسوایی جنسی همسرش با «مونیکا لونیسکی»، کارآموز جوان کاخ سفید که از سال ۱۹۹۴ به تدریج با بیل کلینتون رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رابطه نزدیکی برقرار کرده بود را، شایعات بدخواهانه جمهوری خواهان برای زمین زدن حزبشان عنوان کرده است!

این درگیری بین احزاب در آمریکا تا جایی پیش رفته است که هیچ کدام از دو طرف ماجرا دیگر حاضر به پذیرش واقع‌ترین جنایات و دروغ‌های خود نیستند و طوری مسائل را عنوان می‌کنند گویی دروغ، مخفی‌کاری و بی‌اخلاقی، مسائلی پیش پا افتاده و طبیعی است و تقصیر اصلی گردن کسانی است که سعی در بر ملا کردن این مسائل می‌کنند! البته کلام واضح است که چنین سیاست تنها برای مملکت خودشان مجاز است، وگرنه که در مورد مملکت‌های رقیب، یا دشمن، سیاست پیدا کردن نقاط ضعف حتی به دروغ، همیشه اولویت دارد.

سفراری و بر ستاره

سریال «برافروخته»، جزو سریال‌های پر سستارای بود که در دوران کرونا ضبط آن انجام گرفت. در این سریال ستاره‌های معروف زیادی مانند «شان پن»، «جولیا رابرتز»، «فرانکلین ویکام» و... نقش آفرینی کردند. البته با وجود نقش‌آفرینی‌های حرفه‌ای و ستارگان معروف، این سریال از جانب منتقدین و مخاطبین نمرات بسیار متوسطی را از آن خود کرد. سریال برافروخته با نگاهی منتصب، ماجرای رسوایی واگریت را به تصویر می‌کشد و شاید به خاطر همین نوع نگاه سازنده‌اش باشد که مخاطبین نتوانستند آن طور که باید با داستان سریال ارتباط برقرار کنند.

جشنواره فیلم کوتاه تهران -به عنوان تجلی‌گاه سیاست‌گذاری‌های سینمایی پایه و جوان ایران- درحالی به سی و نهمین دوره خود رسیده که امروز اهمیت موضوع آن بر همه آشکار و مسلم شده است. تا آنجا که می‌توان فیلم کوتاه را ریشه سینمای کشور نداشت. چون بیشتر افرادی که امروز در سینمای حرفه‌ای مشغول به کار هستند، پیش از این در عرصه فیلم کوتاه ذوق آزمایی می‌کردند و فعالیتشان را با تولید چنین آثاری پی نهاده‌اند. امروز هم افرادی که در عرصه فیلم کوتاه فعالیت می‌کنند و از جمله، هنرمندانی که همین روزها فیلم‌هایشان در جشنواره فیلم کوتاه تهران روی پرده می‌رود، آینده سازهای سینما ما هستند. از هم اکنون می‌توان با بررسی و تجزیه و تحلیل آثاری که در حوزه فیلم کوتاه ساخته می‌شوند آینده هنر هفتم کشور را پیش بینی کرد. هم از این رو، جشنواره فیلم کوتاه تهران نیز یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین جشنواره‌های سینمایی در ایران محسوب می‌شود. با این حال تجربه دوره‌های گذشته این جشنواره و به طور

کلی عرصه سینمای جوان و فیلم کوتاه گویای نبود نگاه راهبردی در این حوزه مهم و حیاتی فرهنگ کشورمان است. فقدان رویکرد هوشمند و راهبردی و محدود شدن به نمایش چند فیلم موضوعی عامی و در نهایت اهدای چند جایزه به‌سه افراد برگزیده، کلیشه‌ای است که با کمترین تغییر و تفاوتی در همه جشنواره‌های سینمایی تکرار می‌شود. به خاطر همین هم جریان سراز و تأثیرگذاری این جشنواره‌ها -به رغم بودجه سنگین و جنجال‌های تبلیغاتی فراوانی که برای آنها می‌شود- حداقل است. نمونه و گل سرسبد جشنواره‌های سینمایی کشورمان، جشنواره فیلم فجر است که به مناسبت

فقدان رویکرد هوشمند و راهبردی و محدود شدن به نمایش چند فیلم موضوعی عامی و در نهایت اهدای چند جایزه به‌سه افراد برگزیده، کلیشه‌ای است که با کمترین تغییر و تفاوتی در همه جشنواره‌های سینمایی تکرار می‌شود. به خاطر همین هم جریان سراز و تأثیرگذاری این جشنواره‌ها -به رغم بودجه سنگین و جنجال‌های تبلیغاتی فراوانی که برای آنها می‌شود- حداقل است. نمونه و گل سرسبد جشنواره‌های سینمایی کشورمان، جشنواره فیلم فجر است که به مناسبت

فقدان رویکرد هوشمند و راهبردی و محدود شدن به نمایش چند فیلم موضوعی عامی و در نهایت اهدای چند جایزه به‌سه افراد برگزیده، کلیشه‌ای است که با کمترین تغییر و تفاوتی در همه جشنواره‌های سینمایی تکرار می‌شود. به خاطر همین هم جریان سراز و تأثیرگذاری این جشنواره‌ها -به رغم بودجه سنگین و جنجال‌های تبلیغاتی فراوانی که برای آنها می‌شود- حداقل است. نمونه و گل سرسبد جشنواره‌های سینمایی کشورمان، جشنواره فیلم فجر است که به مناسبت

چه بپذیریم یا نپذیریم، واقعیت تلخ آن است که سینمای امروز ما از خطرهای شیرین سال‌های دور و نه چندان نزدیک سینمای نجیب و معصوم کودک فاصله بعدی گرفته و دیگر کمتر نشانی از آن یادگارهای دوست داشتنی و بکر و معصومان و سرشار باقی است.

بی تردید در گنجینه خاطرات هر علاقه‌مند به سینمای ایران، تعدادی از فیلم‌ها متعلق به ژانر سینمای کودک است و نیز در فهرست برترین‌های کارنامه سینمای ایران،تعدادی از فیلم‌های کودک در رتبه‌های بالا و جایگاه والایی حضور دارند؛ به پاکی و روشنی.

مگر ممکن است کسی به سینمای این مرز و بوم علقه و عاطفه‌ای داشته باشد و یا بی گیر آن بوده باشد و خاطره «خواهران غریب» را از یاد ببرد یا دلش نخواهد که دوباره با «قصه‌های مجید» تجدید دیدار کند و دوباره و چند باره بنشیند پای معصومیت و پاکی و زلالی «رنگ خدا» و «چپه‌های آسمان» و...نمونه‌های دیگری از این دست؟ این خاطره‌ها همان قدر که دوست داشتنی‌اند و خواستنی اما موجب حسرت واندوهی هم هستند که در غبار رخت و عسرت این سال‌های دریغ آلودسینمای ایران، تحویل مخاطبان و علاقه‌مندان هنر هفتم ایران می‌دهند.حسی برآمده از فقدان فیلم‌هایی شبیه آنچه یادکردیم و دردی منبعث از جای خالی آن صداقت‌ها و صمیمیت‌ها و زلالی‌ها. واینکه دیگر چیزی به نام سینمای کودک نداریم و مجبوریم دلمان را خوش کنیم به همان‌ها که روزگاری داشته ایم و تجدید خاطره با آنها.

در چنین موقعیتی و با چنان حال و روزی،واقعا گفتن و شنیدن از جشنواره فیلم کودک چه لطفی می‌زنند و حتی حاضر می‌شوند، خانواده خود را قربانی کنند!

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برگزار می‌شود، اما مظلوم ترین و مغفول ترین موضوع در این جشنواره - در همه دوره‌های برگزاری‌اش- انقلاب اسلامی بوده است! به همین دلیل هم سینمای جوان و جشنواره آن (جشنواره فیلم کوتاه تهران) چاره‌ای جز عصیانگری در برابر وضع موجود و مقابله با رکود و خنثی‌گرایی ندارد. طبیعی است که فیلمسازان جوان و نواخته به ساختار شکنی و تجلی ایده‌ها و فرم‌های بدیع و متفاوت گرایش داشته باشند. اما رویکرد به نوگرایی و درآنداختن طرح‌های آوانگارد در سینما تنها زمانی می‌تواند مسیر جدیدی را ایجاد کند که برآمده از ریشه‌ها و اصالت‌های فرهنگی و اعتقادی این مرز و بوم باشد.

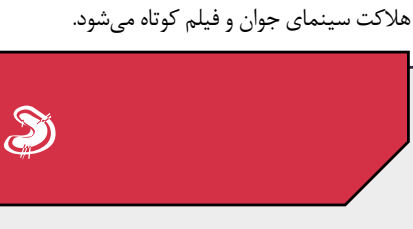
تصویر ثابت و غالبی که از جامعه در اغلب آثار تصویری حرفه‌ای به نمایش درمی‌آید به تمنیات اقشار فراست داخلی و یا سلطه‌گران جهانی منحصر می‌شود. به همین خاطر یکی از عصیانگری‌های سینمای جوان، عبور از این کلیشه‌های گیشم‌ای و

به بهانه برگزاری جشنواره فیلم کوتاه تهران

عصیانگری‌های سینمای جوان

نگاررش فییم

یکی از شاخصه‌هایی که موجب کارآمدتر شدن عرصه سینمای جوان و جشنواره فیلم کوتاه از سوی مسئولین فرهنگی می‌شود، هموار کردن فضای تجربه سینمایی و بالا بردن قابلیت برای شکوفایی استعدادهای متعدد است. بدون شک در سرتاسر کشور ما جوانان خوش فربه‌ای ای هستند که حرف‌هایی تازه و مثرقی دارند. اما باید زمینه برای بروز آنها فراهم شود که در این صورت، عرصه سینمای کشورمان متحول خواهد شد. همونا شدن به مخالف خود نمی‌گذارند و حتی برای خوشایند جشنواره‌های خارجی واقعات را وارونه‌شان می‌دهند. افتادن به چنین ورطه‌هایی موجب مسموم شدن و هلاکت سینمای جوان و فیلم کوتاه می‌شود.



دارد وقتی دیگر نه از خواهران غریب نشانی هست و نه از قصه‌های بزرگی؟

اما با این حال جالب و البته تا حدی هم عجیب و حتی شاید خنده دار است که ما سینمای کودک نداریم ولی جشنواره کودک داریم.درست مثل مابقی گونه‌های سینمای ایران،تعدادی از فیلم‌های کودک ملی میان هنوز یک مفهوم پرچالش، مهم و پا در هواست ولی کشورمان پر است از جشنواره‌های رنگارنگ که عناوین به ظاهر ملی را بر وجهی برطمطراق با خود یدک می‌کشند.

وضعیت رفت باری است و اساسا بی معنی است که ما چیزی به نام سینمای کودک نداشته باشیم و این گونه سینمایی سال‌های سال باشد که مرده و نابود شده اما یک جشنواره پر سرو صدا و پر هزینه داشته باشیم به نام کودک!واقعا فهم که به نام کودک است و به کام دیگران.

چرا کسی جلوی این قطار کج و بی ریل و راه و بیراهه رو را نمی‌گیرد و چرا مسئولین اجازه می‌دهند فضای کشور در عرصه هنر پر شود از اسم‌ها و رسم‌های دهان پر کن و بی ارزش و بی عقبه این جشنواره‌های صدا یک غاز که تنها کارکردشان هدر رفتن پول بیت المال است؟

این سینما به آموزش و تولید و سالن و سواد و بینش و آدم کاربلد نیاز دارد نه به یک انیان پر از جشنواره‌ها!گفتم که با سینمای کودک نداریم ولی جشنواره کودک داریم.درست مثل مابقی گونه‌های سینمایی و جشنواره‌هایمان واین یعنی فاجعه. یعنی



مجموعه تلویزیونی «آتش سرد» که این شب‌ها از شبکه دو سیما در حال پخش است حصول مجور ماجراهایی می‌چرخد که از یک طرف می‌خواهد سبک زندگی ایرانی _ اسلامی را به نمایش بگذارد و از طرفی هم داستان این سریال، را بی نشان دادن مسائل و موضوعات خلافی است که توسط برخی از افراد در جامعه شکل می‌گیرد؛ ادم‌های متخلف و گناهکاری که به‌خاطر منافع شخصی دست به هر کاری می‌زنند و حتی حاضر می‌شوند، خانواده خود را قربانی کنند!

قصه اصلی سسریال «آتش سرد» که یک مولودرام اجتماعی و عاشقانه با محوریت خانواده است مربوط به ماجرای پسرپچاهی بنام «فرید» است که والدین اش را در یک حادثه از دست

صفحه ۸

دوشنبه ۲۲آبان ۱۴۰۱

۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ - شماره ۲۳۱۴۹



نادر طالب‌زاده (کارگردان)شهید آوینی (فیلم‌ساز)مجید مجیدی (فیلم‌ساز)هادی محمدیان (نویسنه)فرخ‌الله سلحشور (فیلم‌ساز)ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلم‌ساز)مهدی قلیه (بازیگر)پروانه معصومی (بازیگر)مرتضی شعبانی (سندساز)ناود میرباقری (فیلم‌ساز)بروین شیخ طادی (فیلم‌ساز)شهرویار بحرانی (فیلم‌ساز)



تجارتی- سینمای شبه روشنفکری را سرتگون کنند! اما سینمای جوان بدون مانیفست و خط مشی نمی‌تواند به مسیر خودش ادامه دهد؛ نقشه راه و چشم‌انداز می‌خواهد. بهترین مبنا و اساس برای حرکت این سینما به سمت یک جریان پویا و قدرتمند، سیره سید شهیدان اهل قلم است. سیرهای که هم در آثار «خوشناتاری و دیداری- شهید آوینی» پدیدار شده و هم در زندگی و سلوک آن هنرمند بزرگ، اما چه شاخصه‌هایی در این هنرنوایی زیستی- هنری پدیدار شده است؟

مستقل بودن و پرهیز از سفارشی سازی‌های آب و دل دار، خط شکنی و گریز از محافظه کاری در نقد مضائب و چالش‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، حضور دائم در میان عموم مردم و سنگ صبور جامعه بودن، اتکا به خلاقیت و توانایی خویش و عدم توقع از حمایت‌های محفلی، ارتباط نزدیک با منابع و متون فرهنگی بومی و برخورداری از نگاه منتقدانه نسبت به نظریه‌ها و دیدگاه‌های وارداتی و غربی، واقعگرایی به جای سیاه نمایی و عدم شیفتگی به جواز جشنواره‌های داخلی و خارجی ازجمله این شاخصه‌ها هستند.

در مسیرت سینمای کودکی

محمد قمی



معدود ژانرهای سینمایی است که در سراسر جهان مخاطب فوق‌العاده‌ای چه به لحاظ کمیت و چه به لحاظ کیفیت دارد؛ یعنی همیشه و در هر جغرافیای مکانی و در هر برهه از زمان، مخاطبان زیادی منتظر و نیازمند فیلم کودک هستند و جالب اینجاست که پرفروغ ترین، عظیم ترین و خاطره انگیزترین فیلم سینمایی تاریخ سینما نیز در بسیاری از اوقات و در نمونه‌های متعددی متعلق به همین گونه سینمایی می‌باشند؛ حتی در سال‌های اخیر نیز این اتفاق افتاده است و سینمای کودک و نوجوان نشان داده که هنوز هم یکی از جدی ترین و پرترفداران ترین ژانرهای سینمایی است.

اما در سینمای ایران وضعیت ژانر کودک به چه به‌دنبال وصلت با هم هستند. «زاد» پسر سعید که «مهدی سلوکی» ایفاگر نقش آن است قرار هست که با«اسرا» دختر «محسن تاجیک» که«هریم موسویان» در این کاراکتر ظاهر شده است ازدواج کند که البته «سعید» موافق این و به توصیه پدر و دوست پدرش احمد که نقش او را «جعفر دهقان» بازی می‌کند، خود را به پلیس معرفی می‌کند. این روند داستان به‌گونه‌ای طی می‌شود که پشت این ماجرا آدم‌هایی هستند که قرار است از «محسن تاجیک» که یک انسان مومن و فداکار است انتقام بگیرند و همان‌طور که از قسمت‌های اول این سریال تا به‌حال دیدیم، سعید و عواملش پشت این ماجرا، فتنه انگیزی می‌کنند و تمام تلاششان این است که به نوعی به «محسن تاجیک» و خانواده اش ضربه بزنند و... در نهایت آنها قصد دارند به نوعی سهم ارثیه‌ای که از کارخانه‌ها به‌«فرید» می‌رسد را هم از چنگش دریاورند. به هر صورت به‌نظر

می‌رسد که مسئله خلل حرام و گرفتاری‌های بسیاری از افراد در اثر ورود به امور خلاف و گناه، تم اصلی این سریال است. به عبارتی باید گفت که «آتش سرد» آلودگی‌هایی که انسان را از خدا دور می‌کند، به نمایش گذاشته است. شخصیت سعید، خلاف کاری‌هایش، پایبند نبودن او به ارزش‌های دینی، بداخلاقی‌ها، مال حرام خوردن، اختلاس، دروغ، ریاکاری، فریب افراد و... نشان از چهره‌ای زشت از افراد بی‌دین و لا مذهب است. سریال «آتش سرد» در واقع نمایشگر دو قطب از آدم‌هایی است که در دو مسیر کاملاً متفاوت طی طریق می‌کنند؛ یکی مسیر درست و الهی و دیگری در مسیر ضلالت، پستی و گناه.

می‌شود. در صحنه‌ای شاهد حضور کاراکتری به‌نام «بابک کمالی» هستیم که یک اختلاف قبلی و ماجراهایی را با «محسن تاجیک» داشته و مقصر اصلی زندان رفتنش را تاجیک می‌داند و زمانی که از زندان به مرخصی می‌آید قصد می‌کند که به ملاقات «محسن تاجیک» برود و با او صحبت کند، و در واقع از او انتقام بگیرد، اما در روزی که به گلخانه «محسن تاجیک» می‌رود او حضور ندارد و با پسرش «علیرضا» روبه‌رو می‌شود و در یک اتفاق و در حالی که با پسر تاجیک درگیری لفظی پیدا می‌یابد او را عصبانی می‌کند و در یک حادثه درگیری فیزیکی به بین آنها شکل می‌گیرد« بابک کمالی» نقش زمین می‌شود و پس از چند دقیقه از جایش بلند شده و در حالی که زخمی شده است از گلخانه خارج